



راهبرد کلان امریکا در خلیج فارس چیست؟

## واگذاری مسئولیت یا موازنه قوا

ایالات متحده بعد از فروپاشی شوروی و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی همواره به دنبال این بود که جمهوری اسلامی را به عنوان یک تهدید برای نظم بین المللی فعلی و همچنین برای همسایگان خود عنوان کند. به گونه‌ای که اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی به صورت ویژه و در کنار هم در ادبیات و استراتژی‌های ایالات متحده به کار برده می‌شد.

همزمان با آغاز تحرکات ارتش روسیه

## عملیات ترکیه در شمال سوریه متوقف شد

همزمان با عملیات یک هوایی‌های جنگی روسیه در شمال سوریه و بر فراز شهر مرعیه در شمال حومه حلب که تحت کنترل نیروهای شبه نظامی تحت حمایت آنکارا است، ارتش ترکیه عملیات خود در شمال سوریه را متوقف کرد. به گزارش سایت شبکه خبری «المیادین»، شبیه شب یک فروند جنگنده ارتش روسیه یک موشک هوا به هوا بر فراز شهر مرعیه پرتاب کرد و گزارش‌ها نیز حاکی از آن است.



## مسجد الاقصی در روز پرچم صحنه تقابل فلسطینیان با صهیونیست‌های افراطی شد

## جنگ پرچم‌ها

صفحه ۴ را بخوانید

Reuters

در آمدی بر راهبرد کلان رژیم صهیونیستی در یمن

## جاده ریاض از صنعا می‌گذرد

امیر رضا مقومی  
دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای

برخی از پژوهشگران بر این اعتقادند که بحران یمن صرفاً تحت تأثیر نیروهای اجتماعی یا نقش آفرینی بازیگران منطقه‌ای همانند ایران و عربستان شکل گرفته است، در حالی که واقعیت‌های راهبردی بیانگر آن است که رژیم صهیونیستی نیز به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، بر روند بحران یمن و تشدید آن نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرده است. اگرچه رژیم صهیونیستی در قبال تجاوز به یمن موضع رسمی نداشته است، اما اسناد و اظهارات صورت گرفته، نشان از همکاری و هماهنگی عربستان، امریکا و رژیم صهیونیستی برای ضربه زدن به انصارالله دارد. بر طبق این اسناد و اظهارات، رژیم صهیونیستی سعی کرده با کمک‌های نظامی و حتی عملیاتی خود به طرق غیررسمی به انتفال عربی بپیوندد و با همکاری با آنها، بر ضد انصارالله اقداماتی را انجام دهد.

اطلاعات افشاشده نشان می‌دهد که حضور افسران صهیونیستی در پایگاه سعودی در تبوک با توافق عربستان و امریکا در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ (یک سال پس از آغاز جنگ عربستان سعودی در یمن) صورت گرفته است که بر این اساس افسران نیروی هوایی رژیم صهیونیستی و امریکا، عملاً فرایند بمباران هوایی در یمن را مدیریت می‌کنند و تعداد زیادی خلبان صهیونیستی و امریکایی در پروازها شرکت می‌کنند و حملات را از پایگاه ملک فیصل در تبوک انجام می‌دهند.

همکاری رژیم صهیونیستی با عربستان در بحران یمن به حدی است که تیری میسان، تحلیلگر فرانسوی، بیان می‌کند: «اسرائیل فرمانده به اصطلاح نیروهای مشترک عرب در یمن است و مقر فرماندهی جنگ علیه یمن در عربستان نیست، بلکه در آن سوی باب‌المنندب و به دست کسانی است که با بمباران یمن را مدیریت می‌کنند. سربازان و خلبانان اسرائیلی همکاری تنگاتنگی با رژیم آل سعود دارند و ارتش این کشور را یاری می‌دهند، هرچند که این روابط علنی و رسمی نیست» چنین حقایقی نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی نیز همچون دیگر قدرت‌های منطقه‌ای دارای منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی در بحران یمن است. در همین خصوص، روزنامه صهیونیستی یدمعوت آچارنوت، یک روز پس از شروع جنگ ائتلاف عربی علیه یمن، مقاله‌ای از الکس فیسمن، کارشناس امنیتی این روزنامه، با عنوان «زمان حملات یمن» منتشر کرد که گفته بود: «جنگی که عربستان سعودی علیه یمن به راه انداخته است، در خدمت منافع اسرائیل است و فرصتی ارزشمند برای برداشت ثمرات استراتژیک حیاتی برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شود، پس باید از آن حمایت کند» که با

رومی داند که جاده ریاض، از صنعا می‌گذرد و اگر بخواهد هدیه‌ای به ولیعهد عربستان، محمد بن سلمان بدهد، تنها با کمک او در مقابله با حوثی‌ها انجام می‌شود. «ران ادلیست، نیز در این خصوص می‌نویسد: «محاسبات سیاسی خاص مقامات اسرائیلی نقش مهمی در این نوع مداخله ایفا می‌کند. علاقه به حفظ رابطه با «معشوقه سعودی» اسرائیل را به دخالت در درگیری‌های یمن سوق می‌دهد.

گذشته از منافع سیاسی، بحران یمن برای رژیم صهیونیستی دارای منافع ژئوپلیتیکی متعددی است. به گونه‌ای که رژیم صهیونیستی توانسته با استفاده از بحران یمن و آناژرشی حاکم بر این کشور، با کمک کشورهای عربی و بویژه امارات، بر برخی از جزایر راهبردی یمن همچون سقطری تسلط یابد. پایگاه خبری «جی فروم» متعلق به جامعه یهودیان فرانسه، گزارش داده که رژیم صهیونیستی در این جزیره بسیار استراتژیک، پایگاه جاسوسی تأسیس کرده و تجهیزات مخابراتی- جاسوسی در آن مستقر کرده است. چنین اقدامی به رژیم صهیونیستی این فرصت را می‌دهد تا به رصد فعالیت‌های نیروهای انصارالله در یمن، ترافیک هوایی و دریایی جنوب دریای سرخ و تحرکات ایران در منطقه‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای عمیق خود و همبمانانش نیز محافظت کند. افزون بر این، حضور گسترده نظامی امارات در جزیره استراتژیک پریم، فرصت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی عظیمه‌ای برای رژیم صهیونیستی فراهم می‌آورد. دیکا فیل، وبسایت اطلاعاتی نظامی رژیم صهیونیستی در این خصوص می‌نویسد: «ایجاد پایگاه هلیکوپترهای تهاجمی و عملیات برنامه‌ریزی شده امارات در اواسط ژوئن در جزیره پریم، تغییر شگرفی در موازنه قواهای منطقه‌ای ایجاد خواهد کرد. پایگاه هوایی در جزیره پریم (میون) کنترل دریای سرخ را به ابوظبی، ریاض و تل آویو می‌دهد.» افزون بر جزیره سقطری، به گفته ابراهیم محمد الدیلمی، سفیر یمن در ایران، رژیم صهیونیستی در جزایر حیث و جزیره میون (پریم) نیز حضور دارد و به کمک امارات، عربستان و همچنین شورای انتقالی جنوب یمن که بخش‌هایی از جنوب یمن را در اختیار

”

اسرائیل فرمانده به اصطلاح نیروهای مشترک عرب در یمن است و مقر فرماندهی جنگ علیه یمن در عربستان نیست، بلکه در آن سوی باب‌المنندب و به دست کسانی است که با بمب افکن‌های سعودی، یمن را بمباران می‌کنند. سربازان و خلبانان اسرائیلی همکاری تنگاتنگی با رژیم آل سعود دارند و ارتش این کشور را یاری می‌دهند، هرچند که این روابط علنی و رسمی نیست

دارد، بر این جزایر اعمال نفوذ می‌کند. افزون بر این، بحران یمن این فرصت را برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است تا از طریق آن، استراتژی بالکانیزه کردن خاورمیانه و تقسیم کشورهای عربی را به پیش‌برد و با ایجاد تفرقه، علاوه بر تضعیف یک کشور عربی، متحد جدیدی در منطقه پیدا کند و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه را تغییر دهد. اودد بینون، مقام ارشد سابق وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی و مشاور اریل شارون، کتابی را در سال ۱۹۸۲ منتشر کرد که به «استراتژی برای اسرائیل در ۱۹۸۰» معروف شد. بینون در این کتاب مدل بالکانیزه کردن منطقه خاورمیانه و تقسیم کشورهای عربی به کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر را برای افزایش ضریب امنیت ملی رژیم صهیونیستی طرح‌ریزی کرد. اودد بینون در این خصوص می‌گوید: «اسرائیل از طریق تجربه‌های ملت‌های عرب را نه تنها از نظر سرزمینی بلکه کوچک ناسازگار بین خود تبدیل می‌کند تا بر این اساس، همه آنها را تحت کنترل اسرائیل نگاه دارد.»

این استراتژی رژیم صهیونیستی در حال حاضر با شکل‌گیری بحران یمن، امکان بروز پیدا کرده است. به طوری که رژیم صهیونیستی با کمک امارات، توانسته از شورای انتقالی



شیخ الاسلام

جبهه جدیدی علیه دولت یهود باز شود. در حال حاضر انصارالله یمن علاوه بر در اختیار داشتن پهپادهای متعدد که برد برخی از آنها تا ۱۵۰۰ کیلومتر نیز می‌رسد، دارای موشک‌های کروز، بالستیک و موشک‌های ضد کشتی است. نیر دوری، خبرنگار نظامی سایت «ماکو» در مقاله‌ای تحت عنوان «یمن به دایره آتش ایران در اطراف اسرائیل می‌پیوندد»، می‌نویسد: «اکنون یک تهدید جدید دیگری وجود دارد و آن استقرار ایران در یمن و انتقال تسلیحات پیشرفته به جنبش مسلح حوثی است و این تهدید نه تنها کشتی‌های تجاری را تهدید می‌کند بلکه یمن را به سکوی پرتاب موشک‌های بالستیک به سمت اسرائیل تبدیل می‌کند». بر این اساس به عقیده پژوهشگران صهیونیستی، ملموس‌ترین تهدیدی که حوثی‌ها برای رژیم صهیونیستی ایجاد می‌کنند بدون شک توانایی اثبات‌شده‌ای است که علاوه بر مورد هدف قرار دادن سرزمین‌های اشغالی، می‌تواند موانعی در امنیت دریایی و کشتیرانی رژیم صهیونیستی ایجاد کند.

بنابراین اگرچه رژیم صهیونیستی در قبال تجاوز ائتلاف عربی به یمن، موضع رسمی نامش اما به صورت مستقیم در این تحولات ایفای نقش کرده است و حتی با بازیگران داخلی یمن و بویژه شورای انتقالی جنوبی یمن ارتباط گرفته است که نشان‌دهنده کم

بهره‌مندی رژیم صهیونیستی در جهت منافع و اهداف رژیم صهیونیستی در منطقه است. تهدید «انصارالله» علیه امنیت ملی این رژیم دیگر تنها یک ترس یا یک برآورد تئوریک نیست، بلکه بویژه پس از شکست تجاوز سعودی- امریکایی در یمن، به همانا داشتن بنادر و جزایر مهم و راهبردی در خلیج عدن و دریای سرخ است، به نفع خود استفاده کرده و عملاً به قدرت بزرگ این منطقه تبدیل شود و عبور و مرور بزرگی را نیز کنترل کرده و از همه مهم‌تر، بازدارندگی خود را در مقابل محور مقاومت بهبود بخشد و در صورت لزوم، موانعی در جهت امنیت کشتیرانی رقیبانش ایجاد کند. در همین خصوص آری هابستین، محقق صهیونیستی در مقاله‌ای در نشنال اینترنست، تحت عنوان «عدم قطعیت در یمن: چرا اسرائیل باید از جدایی طلبان جنوبی حمایت کند»، می‌نویسد: «اسرائیل باید از جاه‌طلبی‌های شورای انتقالی جنوب در یمن برای دستیابی به استقلال جنوب حمایت کند؛ این اقدام برای اطمینان از حفاظت از منافع این کشور در مواجهه با تغییرات بالقوه چشمگیر، بویژه در سیاست عربستان سعودی لازم است. یمن جنوبی مستقل می‌تواند تا حد زیادی از منافع اسرائیل محافظت کند... زیرا کنترل شورای انتقالی جنوب بر یمن، به این معنا است که در سیاست متجدد بالقوه‌ای دارد که به راحتی در اطراف باب‌المنندب، یکی از مهم‌ترین گلوگاه

خطوط دریایی جهان قرار دارد... افزون بر این تقسیم یمن ممکن است حوثی‌ها را از مزایای ژئوپلیتیکی یمن محروم سازد و این استراتژی بهترین جایگزین برای افراط‌گرایی نسبیست به چشم‌اندازهای آینده دولت یمن و واگذاری یمن به حوثی‌ها است. با این حال، آغاز بحران یمن و قدرت‌گیری انصارالله، چالش‌های سیاسی، نظامی و ژئوپلیتیکی برای رژیم صهیونیستی به وجود آورده است. به طوری که به عقیده رهبران رژیم صهیونیستی، تهدید «انصارالله» علیه امنیت ملی این رژیم دیگر تنها یک ترس یا یک برآورد تئوریک نیست، بلکه بویژه پس از شکست تجاوز سعودی- امریکایی در یمن، به یک واقعیت موجود، تبدیل شده است. گذشته از این، نقش آفرینی انصارالله در یمن می‌تواند مانع از بهره‌مندی رژیم صهیونیستی از مواهب ژئوپلیتیکی‌اش شود؛ به گونه‌ای که انصارالله طبق متحد غربی- ضدصهیونیستی‌اش، در صورت قدرت‌گیری در یمن از تحقق پروژه انتقال نفت از کشورهای عربی به کشورهای اروپایی از طریق خط لوله ایلات- اشکلون ممانعت می‌ورزد و با ریسک انجام آن را بالا می‌برد و همچنین با قطع دسترسی رژیم صهیونیستی به اقیانوس هند از طریق دریای سرخ، مانع از دسترسی راحت زیدرایی‌های رژیم صهیونیستی برای ورود به رژیم صهیونیستی از وقوع چنین رخدادهایی موجب شد تا تحولات یمن، یکی از محورهای اساسی سخنرانی نائباهاو در کنگره امریکا (۲۰۱۵) باشد. افزون بر این، جنوب رژیم صهیونیستی و بویژه بندر مهم و استراتژیک ایلات، در تیرس موشک‌ها و پهپادهای انصارالله قرار دارد که همین امر نیز می‌تواند برای رژیم صهیونیستی در درسرفرین باشد و عملاً